

حل تزاخم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت

بر اساس مصلحت تحکیم خانواده

کبری پور عبدالله*

سمانه جیل زاده**

چکیده

امروزه حریم خصوصی به عنوان یک اصل بنیادین و اخلاقی، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تا حدی که می‌توان آن را در زمره‌ی کانونی‌ترین موضوعات حقوق بشری قرار داد. این حق در گستره‌ی خانواده با عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین بنیان اجتماعی و در روابط زوجین نیز مطرح است. نظر به اهمیت موضوع، این مقاله مترصد پاسخ‌گویی به این پرسش‌های اساسی است که با توجه به اختصاصات خانواده جایگاه این حق در روابط زوجین چیست؟ چه مصادیقی از آن را می‌توان در روابط همسران در نظر گرفت؟ در صورت تزاخم این مصادیق با برخی از حقوق زوجیت راه حل چیست و کدام یک رجحان دارند؟ این پژوهش با تدقیق در مفهوم حریم خصوصی، تحقیق در مستندات آن، واکاوی مصادیق این حریم در روابط زوجین و مذاقه در موارد تزاخم آن با برخی حقوق زوجیت مشخص می‌کند در زندگی زناشویی اصل بر داشتن حریم خصوصی است، اما در مواردی با توجه به مقتضیات خاص خانواده در موارد تزاخم با حقوق زوجیت این حق محدود یا نقض می‌شود. بدین نحو که در فرض تزاخم حق اهم با معیار تحکیم خانواده سنجیده خواهد شد و این مصلحت تحکیم خانواده است که تعیین می‌کند در موارد خاص کدام یک از حقوق حریم خصوصی یا دیگر حقوق زوجیت به عنوان مرجح و اهم مقدم خواهد شد.

واژگان کلیدی

حریم خصوصی، روابط زوجین، تحکیم خانواده، تزاخم، حقوق زوجیت.

*- استادیار دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران poorabdollah_k@yahoo.com

**- فارغ التحصیل ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران

مقدمه

اقتضاء شخصیت انسانی و مدیریت روابط اجتماعی، ممنوعیت نظارت خارجی نسبت به بخش خصوصی زندگی انسان‌هاست، اما این مقوله در زندگی زناشویی و در روابط زوجین نیز خالی از مناقشه نبوده، چرا که بی‌گمان هر یک از همسران در کنار زندگی زناشویی مشترک، یک فضای ذهنی خصوصی هم دارند که می‌توانند آن را با همسر خود به اشتراک نگذارند. در نگاه نخست، شاید ارتباط و وابستگی عمیق زوجین متبادر این معنا باشد که هیچ کدام از همسران حریمی خصوصی برای خود ندارند، اما با توجه به شخصیت مستقل هر یک از همسران نمی‌توان به صرف زندگی مشترک حقوق انسانی آنها را نادیده انگاشت و حریم خصوصی را که یکی از مصادیق آزادی‌های فردی است نقض کرد، اگر چه با برقراری زندگی زناشویی و اقتضائات خاص آن، احتمال وجود محدودیت در حریم هر یک از زوجین متصور است. چالش و کشمکش بر سر مرز و حریم این زندگی خصوصی و هم‌تا و همانند نبودن دیدگاه دو همسر درباره‌ی آن، ریشه و سرچشمه‌ی بسیاری از کشمکش‌های زناشویی بوده است. در این راستا پرسش این است مفهوم این حریم در زندگی زناشویی چیست؟ چه مصادیقی از حریم خصوصی را در روابط زوجین می‌توان بیان کرد؟ در صورتی که هر یک از این مصادیق با دیگر حقوق زوجیت تزاخم یافته و امکان عمل به هر دو وجود نداشته باشد، کدام یک از این حقوق مقدم است؟ در راستای پاسخ به پرسش‌های فوق برای واکاوی این بحث، به مذاقه در

حل تزام حريم خصوصي زوجين با حقوق زوجيت

مفهوم حريم خصوصي و تبين مستندات آن پرداخته، سپس مصاديق اين حق را در روابط زوجين کنکاش مي شود و سرانجام فروض متصور از تزام حريم خصوصي با ديگر حقوق زوجيت بررسي و پردازش شده و راه کار رفع تزام بيان مي شود.

۱- مفهوم حريم خصوصي

حريم خصوصي به عنوان بخشي از زندگي انسان، در جوامع گوناگون با فرهنگ هاي مختلف همواره تکریم و حمايت شده است، اين اصطلاح علي رغم پيشينه اي به قدمت زندگي انسان، به صورت چنين واژه اي مرکب، اصطلاحی نوظهور است که در گستره ی فقه و حقوق سابقه ای اندک دارد. با وجود اين با سيري در منابع فقهی و با تمسک به آراء حقوق دانان مي توان اين حق را شناسايي کرد.

الف- در فقه: واژه ی «حريم» در فقه به معنای منع است؛ يعني چيزی که نزديک شدن به آن براي غير صاحبش ممنوع است (مجلسي، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۲۴۱). افزون بر آن حريم را هر امر ممنوعی دانسته اند که هتک آن جايز نباشد (سعدی ابوجیب، ۱۴۰۸: ۸۶). با اين توصيف هر چيزی که محترم شمرده شود، ماهيتاً محدوده اي دارد که مصون از تعرض بوده است و مانع هر نوع تعدی و هتک به آن مي شود (قنوتی و جاوړ، ۱۳۹۰: ۸)، اين موضوع نسبت به انسان صفتی دارد که شخص نسبت به آن حساس بوده و براي حفظ آن به دفاع برمي خيزد (واسطی زبيدي، ۱۴۱۴: ۱۳۵). گفتنی است، فقها اصطلاح حريم

را بیشتر در برابر مال و جان و عرض به کار برده‌اند^۱. بنابراین با وجود اینکه فقها در ابواب مختلف فقهی به حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند، اما در فقه امامیه به صورت خاص و مستقل به آن توجه نشده است و فقها عنوان خاصی با این وصف تدوین نکرده‌اند، بلکه - همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد - از فحوای متون اسلامی و فقهی می‌توان به درک این واژه واصل شد (قنوتی و جاور، ۱۳۹۰).

ب- در حقوق: علی‌رغم اینکه حق حریم خصوصی به عنوان یکی از ملموس‌ترین حقوق، برای هر فردی شناخته شده است، اما تا بدین هنگام حقوق‌دانان نتوانسته‌اند به تعریف واحدی دست یابند. به دیگر معنا تعریفی که با پذیرش عمومی مواجه باشد وجود ندارد (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۱) و به اذعان برخی از این صاحب‌نظران، تعریف مورد وفاق و اجماع از این اصطلاح بسیار دشوار است^۲ (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۲ به نقل از solove,2002:89-1088). با وجود این، نویسندگان و صاحب‌نظران با توجه به بنیان‌های فکری خود برای حریم خصوصی تعاریف متعدد و متنوعی ارائه کرده‌اند؛ از جمله اینکه برخی از اندیشمندان در یک تعریف کلی حریم خصوصی را به معنای حق داشتن یک

۱- بدین معنا که حریم را چنین توصیف می‌کنند: «چیزی که انسان از آن دفاع و حمایت می‌کند و بر سر آن می‌جنگد» (ابن منظور، ۱۴۰۴: ج ۱۲، ص ۱۲۵) و در ابواب احیای موات (حلی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۲۳۲)، جهاد (نجفی: ج ۲۱، ص ۱۶) و دفاع (جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ص ۴۹؛ موسوی خمینی، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۷) به تبیین آن پرداخته‌اند.

۲- آرتور میلر: «تعریف حریم خصوصی دشوار است، زیرا حریم خصوصی مفهومی بسیار مبهم و شکننده است». ویلیام بی نی: «حتی جدی‌ترین مدافعان حق حریم خصوصی باید اعتراف کنند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد». انصاری، ۱۳۸۶: ۱۲ به نقل از solove,2002:89-1088

حل تزام حريم خصوصي زوجين با حقوق زوجيت

چارچوب محافظت شده دانسته که فرد در آن خودمختاری شخصی داشته و دیگران اعم از دولت و اشخاص حق مداخله در آن را ندارند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۶۵). حقوق‌دان دیگری نیز معتقد است: «حريم خصوصي قلمرویی از زندگی یک فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند» (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۴). به طور کلی به نظر می‌رسد مفهوم حريم خصوصي با فرهنگ حاکم بر جامعه و نوع رژیم سیاسی حاکم بر آن جامعه مرتبط باشد، به طوری که این مفهوم بسته به تغییر و تحول در مؤلفه‌های فوق می‌تواند مضیق یا موسع باشد. بدین معنا که چه بسا مسائلی در گذشته از موارد حريم خصوصي نبود، اما امروزه داخل در مفهوم حريم خصوصي شده باشد و بالعکس. با این توصیف می‌توان دریافت که مفهوم حريم خصوصي امری نسبی است. از این روست که برخی از حقوق‌دانان معتقدند: «حدود و مرز این حريم که افراد انتظار حمایت از آن را دارند بسته به آن است که در کجا قرار داشته باشد و جامعه چه هنجارهایی را برای آن مکان تجویز کرده باشد» (همان: ۱۶۱).

این ضابطه در خانواده و در روابط همسران نیز وجود داشته و بسته به جامعه‌ی مردسالار، زن‌سالار یا متعادل، حدود و ثغور مفهوم حريم خصوصي متفاوت خواهد بود. در هر صورت می‌توان این مفهوم را در روابط زوجين این‌گونه تعريف کرد: «گستره‌ای از اطلاعات، ارتباطات و جسم هر یک از زوجين است که یا به حسب انتظار متعارف زوجين یا به حکم قانون انتظار دارد دیگری آن را نظارت، دسترسی و مشاهده نکرده و به آن تعرض نکند».

۲- مستندات حق حریم خصوصی

حق حریم خصوصی نیز همچون هر موضوع دیگری مبتنی بر اساس و بنیانی است که آن را اثبات و شاکله‌ی آن را ایجاد می‌کند. این حق به عنوان یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر و حقوق بنیادی هر انسان هم در نظام اسلامی و هم در نظام حقوقی حمایت شده است که در ادامه، مستندات این حق در منابع اسلامی و حقوقی مذاقه و کنکاش خواهد شد. شایان ذکر است، از آنجا که خانواده مصداق بارز حریم خصوصی محسوب می‌شود، بنابراین ادله‌ی عام حریم خصوصی بر این بنیادی‌ترین هسته‌ی اجتماع نیز سایه افکنده و آن را تحت لوای عام خود قرار می‌دهد.

۲-۱- حق حریم خصوصی در منابع اسلامی

دین اسلام به عنوان یکی از بزرگترین ادیان جهان اهتمام ویژه‌ای به حریم خصوصی انسان‌ها دارد. از این رو، مواردی همچون سوء ظن، تجسس، غیبت، تهمت، قذف و... را که حریم زندگی خصوصی مردم را با خطر روبه‌رو می‌سازد حرام کرده است. قرآن کریم نیز که به عنوان قانون اساسی برای هدایت بشری شناخته می‌شود، در آیات متعدد درباره‌ی لزوم رعایت حریم خصوصی افراد به صراحت سخن گفته است. برای تبیین دیدگاه اسلام در خصوص حریم خصوصی، از سه منظر بررسی می‌شود.

الف- حریم خصوصی در آیات و روایات

- ممنوعیت گمان بد، تجسس و غیبت در اسلام: باری تعالی در آیه ۱۲ سوره ی مبارک حجرات^۱ حکم ممنوعیت سوء ظن، تفتیش و غیبت را بیان فرموده‌اند. به عبارتی این آیه در بخش نخست خود مترصد بیان این معناست که اگر درباره‌ی کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر مده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۳۳). در بخش دوم آیه، پی‌گیری و تفحص از امور مردم را منع می‌فرماید، اموری که مردم عنایت دارند، پنهان بماند و شخص آنها را پی‌گیری کند تا خبردار شود (همان) و در بخش سوم از بیان عیوب دیگران در غیاب آنها انظار می‌کند. بنابراین این آیه می‌تواند دلیلی باشد بر قبح نظر به حریم خصوصی افراد در همه‌ی صورت‌های آن اعم از صوت و تصویر و کتابت. در روایات و نصوص وارده از جانب معصومین (علیهم‌السلام) نیز سوء ظن^۲، جست‌وجوگری^۳ و غیبت^۴ منع شده است. حکم این آیه و دستورات ناب الهی

۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا...»؛ «ای اهل ایمان از بسیار پندارها (و گمان بد) در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها (باطل و بی‌حقیقت و) معصیت است، و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید (و جاسوس بر احوال خلق مگمارید)». ۲- امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کار برادرت را به بهترین وجه توجیه کن تا آنگاه که یقین حاصل کنی که چنین نبوده است و به کلمه‌ای که از دهان برادرت بیرون می‌آید، در صورتی که محمل خوبی برای آن وجود دارد، گمان بد مبر»؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۳۶۲). ۳- پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: «ای گروه کسانی که به زبان ایمان آورده‌اید و ایمان در قلب شما خلوص پیدا نکرده است! به جست‌وجوی پوشیده‌های مؤمنان مباشید، که هر کس به جست‌وجوی پوشیده‌های مؤمنان برخیزد، خدا به جست‌وجوی پوشیده‌های خود او می‌پردازد، و هر کس که خدا پوشیده‌های او را جست‌وجو کند رسوا خواهد شد، و لو در خانه‌ی خودش»؛ (همان، ج ۲، ص ۳۵۴). ۴- از قول ابوذر منقول است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به وی وصیت کرده است: «ای ابذر، از غیبت برحذر باش که همانان غیبت شنیدند از زنا است. ابذر می‌گوید: پرسیدم چرا؟ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: زیرا شخص زناکار چه بسا ممکن است توبه کند و توبه‌اش مقبول حق قرار گیرد، اما غیبت بخشیده نمی‌شود مگر آنکه کسی که از او غیبت شده ببخشد...»؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲، ص ۲۸۱).

در قلمرو خانواده و به ویژه در روابط زن و شوهر می‌تواند از بسیاری از مشکلاتی که زوجین در زندگی مشترک دارند جلوگیری کند، چراکه گمان بد سرچشمه‌ی تجسس و تجسس موجب افشای عیوب و اسرار پنهانی و آگاهی بر این امور سبب غیبت می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ص ۱۸۴). هر کدام از این اعمال حرام سبب ورود و نقض حریم خصوصی زوجین شده و دیگری را به عکس‌العمل وا می‌دارد تا جایی که زندگی مشترک را در سراسیمه‌ی سقوط سوق می‌دهد. با این توصیف، چه زیباست اگر هر یک از همسران سخن گهربار مولای متقیان علی (علیه‌السلام)^۱ را سرلوحه‌ی عمل خویش قرار داده و اعمال همسرش را به بهترین نحو ممکن تفسیر و از گمان بد نسبت به همسرش که منشأ اختلافات بعدی می‌شود اجتناب کند. همچنین از آنجا که بنا به فرموده‌ی باری تعالی زوجین لباس یکدیگر تلقی می‌شوند^۲ - به طوری که عیوب یکدیگر را پوشیده نگاه دارند - لذا بایسته است زوجین حریم یکدیگر را حفظ کرده و به ستر و مخفی نگاه داشتن عیوب و نقوص ظاهری و باطنی همسر خود اهتمام ورزند.

- ممنوعیت ورود به منازل و حریم جنسی زوجین بدون استیذان: در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره‌ی مبارک نور خداوند متعال ورود به حریم منازل اشخاص را منوط به استیناس و استیذان نموده است،^۳ به عبارت دیگر، کسی حق

۱- امام علی (علیه‌السلام): «کار برادرت را به بهترین وجه توجیه کن تا آن گاه که یقین حاصل کنی که چنین نبوده است، و به کلمه‌ای که از دهان برادرت بیرون می‌آید، در صورتی که محتمل خوبی برای آن وجود دارد، گمان بد میر!» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۳۶۲).

۲- «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ (بقره: ۱۸۷).

۳- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید!، و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید این برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!» (۲۸)

حل تزام حريم خصوصي زوجين با حقوق زوجيت

ورود به حريم منازل اشخاص و كشف اسرار را بدون اجازه‌ی صاحب خانه ندارد. در اين آيه احكام حقوقی و اخلاقی در هم تنیده شده است. از نظر حقوقی اشخاص موظف به احترام به مسکن و آزادی ساکنان آن هستند که اين امر در راستای مصالح اشخاص است. به همین سبب خداوند در ادامه‌ی آيه اين کار را نیکو می‌شمارد (زحیلی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۱۷۴۴). افزون بر آن، با به کار بردن عبارت‌های «تستأنسوا» و نه «تستأذنوا» به اين امر اذعان می‌دارد که در کسب اجازه باید جنبه‌های اخلاقی نیز رعایت شود، زیرا جمله‌ی دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند، در حالی که جمله‌ی اول که از ماده «انس» گرفته شده اجازه‌ی توأم با محبت و لطف و آشنایی و صداقت را می‌رساند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۴۲۷). به اين اصل در روابط خانه و برای اعضای خانواده نیز باید توجه شود. روابط زن و شوهر روابط خاصی است که نسبت به فرزندان آنها حريم محسوب می‌شود؛ از اين رو قرآن کریم با دستورات حقوقی، اخلاقی و تربیتی وضعیت‌های مختلفی را مطرح می‌کند؛ برای مثال به وضعیت کودکانی که به سن بلوغ رسیده‌اند توجه کرده و در آيه ۵۹ سوره‌ی نور می‌فرماید: «و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از ایشان بودند اجازه می‌گرفتند...»). همچنین در آيه ۵۸ همان سوره، باری تعالی در یک دستور تربیتی کودکان نابالغ و بردگان را موظف می‌کند در سه زمان (پیش از نماز صبح، نيمروز و بعد از نماز عشا) که برای والدین زمان خصوصی محسوب می‌شود برای ورود به مکان استراحت والدین اذن دخول

بگیرند.^۱ در این آیه به روشنی به ماهیت خلوت بودن آنها اشاره می‌کند و با عبارت «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» به حکمت چنین امری اشاره می‌کند و می‌فرماید: «این سه موقع سه عورت است برای شما، که طبعاً شایسته نیست غیر از شما کسی بر وضع شما مطلع شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ص ۱۶۳).

ب- فطری بودن حریم خصوصی

برخی از اندیشمندان معتقدند که داشتن حریم خصوصی نیازی فطری است که ضرورت آن بدون استدلال عقلی و از طریق شهود درک می‌شود، تحقیقاتی که برخی انسان‌شناسان انجام داده‌اند، مؤید همین امر است (انصاری، ۱۳۸۶: ۴۰). با این توضیح که اصرار به حفظ حریم خصوصی به دلیل حیای فطری است که انسان‌ها در نهاد خویش دارند. حیا اقتضا می‌کند که بعضی از امور شرعی و جایز، پنهانی و در خلوت به وقوع بپیوندند، بنابراین لزوم حفظ حریم خصوصی به جهت حفظ حیای فردی و اجتماعی آشکار است.

ج- دلیل عقل

برخی از نویسندگان، حریم خصوصی و صیانت از آن را از مستقلات عقلی می‌دانند، زیرا عقل، تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و افشای اطلاعات و عیوب آنها را ظلم و قبیح می‌داند. به استناد قاعده‌ی «ملازمه‌ی

۱- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانی که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا این سه وقت خصوصی برای شماست اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است!».

حل تزام حريم خصوصي زوجين با حقوق زوجيت

عقل و شرع»، هر آنچه را که عقل ظلم و قبیح می‌داند شرع نیز آن را قبیح و حرام می‌شمارد. بعضی از فقها در این باره معتقدند: «چگونه ممکن است عقلاً و شرعاً آنچه از میان رفتن ارزش مؤمن و از چشم مردم افتادن او می‌شود، اشکالی نداشته باشد» (انصاری، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۳۴۵). بنابراین شرع مقدس اسلام نیز تجاوز به حريم خصوصي اشخاص و افشای اطلاعات و عیوب را قبیح و حرام می‌شمرد (قنوتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۵).

با مذاقه در منابع اسلامی معلوم شد که حمایت از حريم خصوصي و پرهیز از نقض مصادیق آن در حقوق اسلامی پیشینه‌ای طولانی دارد. این امر پیش از آنکه در غرب و کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشر پیش‌بینی شود، در منابع اسلامی بسیار تأکید شده است. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که اصطلاح «حريم خصوصي» در متون اسلامی استعمال نشده است؛ چرا که موضع اسلام در مواجهه با مقوله‌ی حريم خصوصي یک موضع تحویل‌گرایانه است، بدین معنا که از ماهیت و محتوای حريم خصوصي در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر مثل حق مالکیت، آزادی از تجسس و تعرض‌ناپذیر بودن حقوق مربوط به شخصیت انسان، حمایت شده است (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۱).

۲-۲- حريم خصوصي در منابع حقوقی

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، حريم خصوصي اصطلاحی نوظهور در نظام حقوقی جهان است که بیش از یک سده از طرح آن در عرصه‌ی بین‌المللی نمی‌گذرد، با این حال اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر سازمان ملل

متحد^۱ از حریم مکانی و ارتباطی در سطح بین‌المللی حمایت می‌کند. به موجب ماده‌ی ۱۲ این اعلامیه^۲ که به حقوق بنیادی فرد مربوط است، آحاد بشر حق دارند از یک زندگی خصوصی که دور از مزاحمت دیگران باشد، متمتع شوند (صفایی، ۱۳۷۰: ۴ و ۵). افزون بر آن ماده‌ی ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی^۳ نیز با بیانی مشابه حفظ حریم خصوصی افراد انسانی را تبیین و به حمایت قانون در موارد نقض آن اذعان کرده است. در اسناد بین‌المللی اسلامی نیز به حریم خصوصی توجه شده است. نمونه‌ای از این توجه را می‌توان در اعلامیه‌ی اسلامی حقوق بشر^۴ مشاهده کرد که با تأکید بر خلیفه‌الله بودن انسان و نبود برتری افراد بر یکدیگر به جز در تقوا، با عبارتی جامع و فراگیر بر حمایت از زندگی شخصی و حریم خصوصی انسان تأکید کرده است.^۵ این حق در کنگره‌های متعددی چون کنگره‌ی بین‌المللی حقوق دانان در وین در سال ۱۹۵۵، کنگره‌ی حقوق دانان در استکهلم در سال

۱- این اعلامیه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید.

۲- ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر: «هیچ کس نباید در حریم خصوصی خود یا خانواده یا مکاتبات مورد مداخله زورمندانه قرار بگیرد یا آبرو و شهرتش در معرض تجاوز قرار گیرد».

۳- این ماده بیان می‌دارد: «۱- هیچکس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخله خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود ۲- و هر کسی حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات یا تعرض ها از حمایت قانون برخوردار شود»

۴- این اعلامیه در سال ۱۹۹۰ میلادی در شهر قاهره به تصویب وزرای امور خارجه‌ی کشورهای اسلامی رسید (مهرپور، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵ به بعد).

۵- این اعلامیه در بند الف از ماده ۶ زن و مرد را از لحاظ حیثیت مساوی می‌داند و آسودگی در زندگی شخصی را در بند الف از ماده ۱۸ از حقوق انسان‌ها می‌خواند، افزون بر آن، استقلال و عدم دخالت در زندگی خصوصی را نیز در بند ب همین ماده از حقوق وی ذکر می‌کند. سپس در بند ج مسکن انسان را دارای حرمت شناخته و ورود بدون اجازه در آن را ممنوع می‌شمارد.

حل تزام حريم خصوصي زوجين با حقوق زوجيت

۱۹۶۷ و کنگره‌ی اتحادیه‌ی بین‌المللی حقوق‌دانان در لندن در سال ۱۹۶۹ بحث شد (کاتبی، ۱۳۵۹: ۴۲ و ۴۳). بنابراین در اسناد بین‌المللی حریم خصوصی به عنوان یک حق، پذیرفته و شناسایی شده است.

متعاقب این اقدامات در سطح بین‌المللی، دولت‌ها برای به رسمیت شناختن این حق در قوانین اساسی و عادی خود مقرراتی را وضع کردند. اگر چه ایران نیز همسو با دیگر کشورها حریم خصوصی را شناسایی و حمایت کرده است و در قوانین عادی^۱ و اساسی^۲ از برخی مصادیق آن حمایت صریح یا ضمنی نموده است، اما باید گفت در نظام حقوقی ایران حریم خصوصی به صورت مشخص حمایت نشده است، بلکه حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان حریم خصوصی حمایت می‌شوند؛ انفرادی و در بطن سایر قواعد مختلف حقوقی نظام حقوقی ایران - هر چند ناقص - حمایت شده‌اند (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۵). برای رفع بخشی از این کاستی، بند «ه» ماده‌ی ۱۳۰ قانون «برنامه چهارم توسعه» قوه قضائیه را موظف کرده است تا در راستای اصل بیستم قانون اساسی «لایحه‌ی حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد» را تهیه کند و به مراجع ذیصلاح برساند. همچنین به موجب بندهای «و» و «ز» ماده‌ی ۱۰۰ این

۱- از جمله می‌توان به مواد ۵۸۲، ۶۴۸، ۶۹۱ و ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی و مواد ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰ و ۱۰۳ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ اشاره کرد.

۲- در قانون اساسی ایران متن مشخصی مبنی بر حمایت از حریم خصوصی وجود ندارد، اما در اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۲ می‌توان توجه به برخی موارد حریم خصوصی از جمله حریم خلوت، مکانی، اطلاعات و ارتباطات و حریم جسمانی را از میان این اصول دریافت (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

قانون «حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد و ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه از وظایف دولت است». دولت هشتم برای رفع این نقیصه و به منظور اجرای اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی ایران، لایحه‌ای را تنظیم و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد که این لایحه مسکوت ماند. با این توصیف می‌توان گفت، تنها منبعی که بر حمایت صریح از حریم خصوصی تأکید می‌کند، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که دولت ایران به آن ملحق شده است.^۱

۳- مصادیق حریم خصوصی زوجین

در روابط اعضای خانواده دو جلوه از حریم خصوصی، یکی حریم زوجین و دیگری حریم فرزندان مشاهده می‌شود. با واکاوی روابط همسران و به مقتضای موضوع پژوهش می‌توان در گستره‌ی زناشویی دو نوع حریم را متصور دانست؛ ابتدا حریمی که زن و شوهر نسبت به دیگران دارند و افراد دیگر حق ورود بدون اجازه به این حریم را ندارند. دو حریمی که هر یک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند و برای ورود به آن حریم باید اذن ورود داشته باشند. منظور از حریم در روابط زوجین در این نوشتار، مفهوم اخیر است.

۱- این میثاق را دولت ایران در تاریخ ۱۳/۱/۱۳۴۷ امضا نموده و در اردیبهشت ۱۳۵۴ آن را از تصویب گذراند و بدین گونه به آن اعتبار قانونی بخشید و خود را بدان متعهد ساخت. پس از انقلاب نیز دولت جمهوری اسلامی ایران نه تنها میثاق را رد نکرد و خروج از عضویتش را اعلام نمود، بلکه سیاست کلی‌اش مبنی بر همکاری با کمیته‌ی حقوق بشر بوده است (مهرپور، ۱۳۸۶: ۶۰)

با تحلیل حریم خصوصی می‌توان پی برد که این حریم دو هسته‌ی اصلی دارد؛ اولین هسته‌ی آن آزادی است که شخص در آن توانایی انجام دادن کاری را دارد و دیگری مصونیت است که دیگران را از تعرض و ورود به آن باز می‌دارد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۶۶). با توجه به این دو بعد می‌توان مصادیق این حق را شناسایی کرد. البته مصادیق این حق با توجه به شرایط اجتماعی و تفاوت در فرهنگ‌ها متنوع می‌شوند و در گذر زمان و با رشد و پیشرفت تکنولوژی ممکن است مصادیق جدیدی برای آن به وجود آید. همچنین برای شناسایی مصادیق این حق باید به هر دو ضابطه‌ی نوعی و شخصی توجه کرد، بدین معنا که هم جنبه‌هایی از زندگی انسان‌ها که نوعاً انسان آن را حریم فرض می‌کند، جزء مصادیق حریم خصوصی‌اند؛ هم مصادیقی که شخص فارغ از اینکه دیگران آن را حریم متصور می‌دانند یا نه، جزء مسائل شخصی و داخل در قلمرو حریم خصوصی است (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۸). این مسئله و همچنین تنوع و تفاوت فرهنگی و اجتماعی باعث شده که حقوق‌دانان در شناسایی و شمارش مصادیق حریم خصوصی هم‌نظر نباشند.^۱

۱- برخی از حقوق‌دانان مصادیق حریم خصوصی را در چهار عنوان متصور دانسته‌اند: ۱- حریم خصوصی اطلاعاتی ۲- حریم خصوصی ارتباطی ۳- حریم خصوصی جسمانی ۴- حریم خصوصی منازل و اماکن (اصلائی: ۱۳۸۴، ۴۴) و دیگری شش مصداق را برشمرده است: حریم منزل و خلوت افراد ۲- حریم جسمانی افراد ۳- حریم خصوصی متقاضیان کار و کارکنان ۴- حریم خصوصی در فعالیت‌های رسانه‌ای ۵- حریم خصوصی اطلاعات شخصی. ۶ حریم خصوصی ارتباطات خصوصی (انصاری: ۱۳۸۶، ۱۵۵) طرح حمایت از حریم خصوصی نیز مصادیق این حق را بدین شرح دانسته است: الف. حریم خصوصی منازل و اماکن خصوصی ب. حریم خصوصی جسمانی ج. حریم خصوصی محل کار د. حریم خصوصی اطلاعات ه. حریم خصوصی اطلاعات شخصی و حریم خصوصی ارتباطات

با تدقیق در این مصادیق و دیدگاه حقوق دانان می‌توان گفت انتظار افراد مبنی بر اینکه در محدوده‌ای از زندگی شخصی خود، بدون دخالت دیگران و در امنیت و آرامش بسر ببرند، توقعی منطقی است. توجه به این حریم، در موارد مختلفی متصور است که به طور کلی حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی مکانی، حریم خصوصی اطلاعات و حریم خصوصی ارتباطات چهار مقوله‌ی مهم و مطرح در فصل احترام به حریم خصوصی دیگران است و از میان این مصادیق با توجه به موضوع پژوهش می‌توان سه مصداق حریم اطلاعاتی، ارتباطی و جسمانی را برای هر یک از زوجین حریم خصوصی تلقی کرد. از آنجا که در روابط زوجین، حریم مکانی منزلت و جایگاه ندارد، از سایر مصادیق کلی خارج شده و سه مصداق فوق در گستره‌ی روابط آنان واکاوی می‌شود.

الف- حریم اطلاعاتی: حریم اطلاعات عبارت از حق اولیه‌ی افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از تحصیل، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به شخص، مگر در موارد مصرح قانونی است (اصلائی، ۱۳۸۴: ۲۸). به نظر می‌رسد داده‌های شخصی شامل تمامی مشخصات و اطلاعات شخص اعم از اطلاعات مالی، اطلاعات مربوط به سلامت جسمانی و روانی، عقاید دینی و.. باشد. تا جایی که این داده‌ها با آزادی، استقلال و کرامت انسانی مرتبط است (انصاری، ۱۳۸۶: ۲۶۴).

با کنکاش در روابط زوجین در این خصوص باید گفت: «اگرچه روابط عاطفی عمیق میان زوجین امکان دستیابی به اطلاعات شخصی هر یک از

حل تزام حريم خصوصی زوجين با حقوق زوجيت

همسران را در برابر ديگري سهل و هموار مي‌سازد، اما چه بسا جست‌وجو در اين اطلاعات از سوي زوج يا زوجه واكنش همسر را در پي داشته و رفته‌رفته بذري اعتمادی را در اين خانواده بکارد». بنابراین بایسته است رازهای شخصی زوجین و زندگی خصوصی دوستان و آشنایان هر کدام از دو همسر جزء حريم اطلاعاتی هر يك از آنها قلمداد شود و در نتیجه لازم نیست نزد همسر بیان شوند. مواردی مانند پس انداز مالی همسران پیش از بستن پیمان زناشویی و نیز ميراث خانوادگی آنها، جزء داشته‌های شخصی و خصوصی هر کدام از همسران است و نیازی به اشتراک گذاشتن آنها با يکديگر نیست، اما این حريم درباره‌ی درآمد ماهانه‌ی زوج نمی‌تواند پابرجا باشد چرا که درآمد زوج مبتای نفقه‌ی زوجه است. بنابراین داده‌های مالی شخصی، داده‌های رایانه‌ای و تلفن همراه و مانند آن، اطلاعات شخصی هر يك از زوجين پیش از ازدواج و.. می‌تواند در روابط همسران حريم اطلاعاتی تلقی شود.

ب- حريم جسمانی: حق اشخاص در حمايت و مصون از تعرض بودن تمامیت جسمانی و بدنی؛ از جمله جنبه‌های مرتبط با سلامت جسمی و روحی و همچنین مشخصات و خصوصیات محرمانه‌ی بدنی آنها حريم جسمانی نامیده می‌شود (اصلانی، ۱۳۸۴: ۲۸). بنابراین مصداق فوق در خصوص حمايت و حفاظت از تمامیت جسمانی و اطلاعات مربوط به سلامتی انسان است؛ چرا که هر انسان به طور طبیعی بر بدن و جسم خویش سلطه دارد و به طور فطری خواستار آزادی آن و رعایت حرمت آن است. از مصادیق این

نوع از حریم در روابط زوجین می‌توان به مواردی همچون ملزم نبودن هر یک از همسران به انجام دادن فعالیت‌های ورزشی و مراقبت‌های تغذیه‌ای خاص بدون آنکه این امور در سلامت فرد تأثیر داشته باشد، اشاره کرد. لازم به توضیح است، هرگاه این امور، سلامت هر یک از همسران و زندگی مشترک را تحت تأثیر قرار دهد، خارج از حیطه‌ی حریم خصوصی است.

ج- حریم ارتباطات: عبارت است از حق اشخاص در امنیت و محرمانه ماندن محتوای کلیه‌ی اشکال و صور مراسلات و مخابرات متعلق به افراد و اطلاعات مربوط به آن (همان) تا جایی که این ارتباط‌ها به زندگی مشترک مربوط نباشد. این مقوله از حریم خصوصی، به طور کلی امنیت پست‌های الکترونیک، تلفن، پست و سایر اشکال ارتباطات را عهده‌دار است. متفاهم عرفی از حریم ارتباطات، شامل ابزارهای جدید چون شبکه‌های اجتماعی که مصادیق عرفی ارتباطات محسوب می‌شوند نیز هست. با تدقیق در تعریف فوق این نکته نمایان می‌شود که این تعریف ارتباطات مجازی و الکترونیکی را دربرمی‌گیرد، در صورتی که «بند ۷ ماده‌ی ۱ لایحه حریم خصوصی»^۱ با تفسیری عام کلیه‌ی اشکال ارتباط افراد در جامعه از جمله ارتباط‌های حضوری را شامل می‌شد. بنابراین می‌توان گفت: «دامنه‌ی چنین حریمی شامل امنیت پست‌های الکترونیک، پست، اینترنت و کلیه‌ی انواع ارتباطات، اعم از مستقیم و غیر مستقیم، حضوری، مکتوب یا تلفیقی از آنها می‌شود. این

۱- حریم ارتباطات اعم از ارتباطات کلامی- حضوری و کتبی، الکترونیکی، سیمی و غیره است که به وسیله‌ی آن هرگونه مکالمه و یا انتقال پیام در اشکال کلامی حضوری، مکتوب، داده، متن، تصویر، صدا، علائم و نشانه‌ها و یا در یک شکل ترکیبی از آنها انجام می‌شود.

حل تزامم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت

نوع حریم خصوصی در باب همسران می‌تواند به ابعادی از شخصی بودن ارتباط‌های هر یک از زوجین با سایر افراد جامعه اطلاق شود، به طوری که انواع ارتباطات انسانی اعم از با واسطه یا بی‌واسطه را شامل شده و ارتباطات فیزیکی - حضوری و الکترونیکی و غیرمرتبط با زندگی مشترک را تحت لوای خود قرار دهد. هر چند با توجه به وابستگی و هم‌بستگی زوجین شایسته است با در دسترس گذاشتن انواع ارتباطات مجازی چون تلفن همراه، پست الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی و مانند آن، همین‌طور ارتباطات حضوری برای همسر - و نه لزوماً به اشتراک گذاشتن آنها - بخشی از فرآیند اعتماد سازی و تعهد را به نمایش گذاشت.

اگر چه هریک از مصادیق فوق برای زوجین حریم قلمداد می‌شود، اما در مواردی اعمال مصادیق حریم خصوصی از سوی هر یک از همسران با برخی از حقوق زوجیت تزامم یافته و اجرای آن را با مشکل مواجه می‌کند. در این راستا موارد تزامم کنکاش و پردازش می‌شوند.

۴- تزامم حریم خصوصی زوجین با دیگر حقوق زوجیت

زندگی مشترک به معنی به اشتراک گذاشتن امور متعارف معیشتی با همسر است، اما در این میان نمی‌توان انکار کرد که هر انسانی مستقل از دیگران است، این استقلال بدین معناست که هر یک از زوجین به تنهایی برای خود قلمرویی دارد که مخصوص به خود اوست. اگرچه در وهله‌ی نخست ممکن است بر این نظر متمایل شد که داشتن حریم خصوصی در زندگی مشترک با تعهدی که زن و شوهر به هم دارند منافات دارد، اما باید

گفت که با تدقیق و تفحص در این مفهوم نمی‌توان قائل به این دیدگاه شد؛ چرا که حریم خصوصی به معنی خودخواهی و بی‌اهمیتی به همسر و خانواده نیست، بلکه به معنی آن است که همان طور که هر یک از همسران به همسر و کانون خانواده احترام می‌گذارد به خود نیز احترام گذاشته و از همسر هم انتظار رعایت حریم خصوصی دیگری را داشته باشد. به عبارت دیگر رعایت حریم خصوصی زوجین گویای این سخن نیست که زن و شوهر از کینه مسائل شخصی و خصوصی هم غافل باشند، بلکه به آن معناست که به احساسات و افکار یکدیگر احترام گذاشته و حقوق طبیعی‌شان را سلب نکنند. بنابراین اصل بر وجود حریم خصوصی در روابط زوجین است ولی این اصل با اصل حریم خصوصی در قلمرو شهروندان نسبت به یکدیگر متفاوت است. ممکن است حق حریم خصوصی زوجین با دیگر حقوق هر یک از همسران تزاخم یابد، در چنین شرایطی راه چاره چیست و کدام یک از آنها مقدم می‌شود؟ برای پاسخ، فروض مختلف تزاخم واکاوی شده است تا از این منظر مشخص شود تقدم با کدام یک از حقوق است. البته پیش از مذاقه در آنها، اصل تحکیم خانواده و ارتباط آن با تزاخم حقوق زوجیت و حریم خصوصی زوجین بررسی می‌شود.

۵- تحکیم خانواده و نقش آن در باب تزامن حقوق زوجیت با حریم خصوصی زوجین

شرع مقدس اسلام برای خانواده قداست و منزلت خاصی قائل است. قرآن کریم از پیوند ازدواج به «پیمان محکم» یاد کرده^۱ و خانواده را «نعمت الهی»^۲ نامیده است. نظر به جایگاه ممتاز خانواده در اسلام، تلاش برای استواری روابط خانوادگی یک اقدام ستودنی و مستحق پاداش محسوب می‌شود. از آنجا که ثبات و پایداری بنیادی‌ترین نهاد اجتماع در پویایی و پیشرفت جوامع نقش بسزایی دارد، اهمیت تحکیم خانواده به روشنی نمودار است؛ لذا حراست از خانواده و تلاش برای تقویت و تحکیم پیوندهای خانوادگی برعهده‌ی زوجین است، اما در مواردی بین حقوق زوجیت و حریم خصوصی زوجین تزامن رخ داده، امکان انجام دادن هر دو ناممکن می‌شود. با این توضیح که تزامن در مواردی است که دو قاعده‌ی حقوقی هم‌زمان موضوعیت یابند، به نحوی که امکان تحقق و اجرای یکی بیشتر نباشد و شخص در مرحله‌ی عمل باید دست به انتخاب زده و یکی را انجام دهد. فقها در ارائه‌ی راه حل این‌گونه موارد، بحث مرجحات باب تزامن را مطرح کرده‌اند. یکی از این مرجحات تقدیم اهم بر مهم است (حسینی بهسودی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۵۳). دلیل این مرجح عقلی است و به گفته‌ی برخی این قاعده به قدری روشن است که اثبات آن به استدلال نیاز ندارد (همان: ۳۶۱)، با

۱- «مِثَاقًا غَلِيظًا»؛ آیه ۲۱ نساء

۲- «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِعَظِيمٍ»؛ (نحل: ۷۲)

وجود این تشخیص و تطبیق آن امری دشوار است. این موضوع در گستره‌ی خانواده با توجه به موقعیت خاص و بنیادین آن، اهمیت مضاعفی دارد؛ لذا برای شناسایی حق اهم، نیاز به معیار و مبنایی است تا با اتکا به آن به حق مقدم و اهم رهنمون شد. برای دستیابی به چنین معیاری می‌توان از مصلحت اقوای تحکیم و حفظ کیان خانواده بهره برد، به طوری که مصلحت پایداری بنیان خانواده و انسجام جامعه را مرجح تلقی کرد؛ چرا که عقل بشری به سوی مصالح متمایل است و در دوران امر بین اهم و مهم مصلحت مهم‌تر را ترجیح می‌دهد. از این رو ابتدا باید با تدقیق در ادله و قلمرو هر یک از حقوق متزاحم به اهمیت حقوقی که از منظر شارع و قانون‌گذار مهم‌اند پی برد، سپس حق اهم را با معیار تحکیم خانواده که به عنوان مصلحت اقوا شناخته می‌شود سنجیده و تشخیص داد. چرا که تحکیم خانواده و سکون و آرامش آن از مهم‌ترین اهداف شارع در تدوین مقررات مربوط به خانواده است.

در ادامه‌ی این نوشتار و پیش از واکاوی موارد تزاحم، شایان ذکر است فروض مطروح از موارد تزاحم، در خصوص تزاحم برخی مصادیق حریم خصوصی زوجه با یکی از حقوق زوج بررسی شود؛ چرا که برای زوج با عنوان سرپرست خانواده نمی‌توان چنین فروضی را متصور دانست.

۵-۱- تزاحم ریاست زوج و حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوجه

به حکم عقل، هر اجتماعی می‌بایست سرپرست و مدیری داشته باشد تا با ایجاد نظم، ثبات و هماهنگی بین اجزاء، آن را به سوی هدف مورد نظر هدایت کند. بر این اساس خانواده نیز به عنوان بنیادی‌ترین نظام اجتماعی و

حل تزامن حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت

هسته‌ی نخستین جوامع بشری نیازمند سازماندهی و مدیریت مطلوب است تا با اتکا به آن اهداف خانواده سامان یابد. با توجه به این نکته و مبتنی بر ادله‌ی فقهی^۱ و حقوقی^۲ ریاست و سرپرستی خانواده با زوج^۳ است. البته گستره‌ی ریاست شوهر فقط امور مربوط به خانواده و مصالح آن را شامل می‌شود (مقدادی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). با عنایت به نکات فوق و با تعبیر ریاست زوج به عنوان یک وظیفه و تکلیف برای شوهر از سوی فقها و حقوق‌دانان، برای بقاء نظم در خانواده و پایداری آن (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۳۹۲؛ امامی، ج ۴، ص ۴۳۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۰۸؛ صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۱۲۰) می‌توان گفت در مواردی ایفای این وظیفه از جانب زوج با حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوج تزامن یافته، اعمال هر دو با یکدیگر نامقدور خواهد بود. با این توضیح که زوج بنا به سرپرستی خویش حق خود می‌داند که اطلاعات شخصی زوجه را پایش، جست‌وجو و رهگیری کند؛ از سویی دیگر زوجه نیز با استناد به حریم خصوصی اطلاعاتی خود مانع کاوش زوج خواهد شد. یا در فرض دیگر زوج با اعتقاد به ریاست خویش بر خانواده خواستار تجسس در انواع ارتباطات همسر خویش از جمله ارتباطات مجازی و حضوری شده و در مقابل زوجه حریم ارتباطی خود را نقض شده می‌یابد. حال در چنین

۱- الف: دلیل عقل، ب: آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی مبارک نساء «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»؛ ج: روایات (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، ص ۱۷۰، ح ۵-۲۵۳۳۴).
۲- قانون‌گذار ایران نیز با تبعیت از شریعت مقدس اسلام، در ماده‌ی ۱۱۰۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است».
۳- شایان ذکر است زوجی سرپرست خانواده است که شرایط سرپرستی از جمله اهلیت، توانایی و صلاحیت اخلاقی را داشته باشد.

فرضی کدام یک بر دیگری تقدم می‌یابد؟ در پاسخ، مسئله از زوایای مختلف پردازش می‌شود:

انسان اجتماعی آفریده شده و به ارتباط با دیگران متمایل است، به طوری که می‌توان گفت ارتباط با آحاد انسانی از حقوق هر انسانی است. با این بیان زوجه نیز از این امر مستثنا نخواهد بود. به خصوص امروزه در عصر دیجیتال و با رشد فناوری، علاوه بر ارتباطات حضوری- کلامی، انواع ارتباطات مجازی از جمله پست‌های الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی و... رایج شده است. بنابراین با توجه به مدنی‌الطبع بودن زوجه و به دلالت عقلی آن نمی‌توان به طور مطلق ریاست شوهر را دلیل پایش و جست‌وجو در حریم ارتباطی زوجه دانست. از سویی دیگر، قیمومت مرد بر همسرش به این معنا نیست که از اراده‌ی زن و تصرفات وی در اموالش سلب آزادی بکند. یا اینکه در حفظ حقوق فردی و اجتماعی زن و دفاع از منافعش استقلال زوجه را سلب کند، بلکه زوجه همچنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع کند و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند، متوسل شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۳۴۴). به عبارت دیگر اسلام بر زن فرض نکرده که از شوهر به طور مطلق اطاعت کند به گونه‌ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی مختل شود (فضل‌الله، ۱۴۲۰: ۹۱). افزون بر آن دامنه‌ی ریاست شوهر در امور غیرمالی چون حریم خصوصی از دو جهت به مصلحت‌اندیشی و مراعات

حل تزاخم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت

حقوق و آزادی‌های شرعی و قانونی زن محصور می‌شود (مقدادی، ۱۳۸۵: ۱۲۹). با این توصیف از آنجا که ریاست خانواده مقامی است که برای تثبیت و مصلحت خانواده به مرد داده شده است و یک امتیاز و حق فردی برای شوهر محسوب نمی‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۱۲۰) و از سوی دیگر ریاست زوج تنها به زوجیت و امور مربوط به مصالح خانواده محدود می‌شود و هیچ‌گاه متعرض حقوق و آزادی‌های مشروع زن و محدوده‌ی استقلال او نمی‌شود؛ لذا می‌توان گفت، ریاست شوهر به طور مطلق جواز نقض حریم خصوصی زوجه را ایجاد نمی‌کند. همچنین شایان ذکر است معاشرت به معروف به عنوان یک اصل قرآنی و قانونی ثابت و محکم بر روابط زوجین سایه افکنده تا جایی که همه‌ی قوانین دیگر را در این باب پوشش داده و تفسیر می‌کند (مهریزی، ۱۳۹۰: ۲۵۹). بنابراین احترام به حریم خصوصی از جانب هر یک از زوجین (به مقتضای بحث در اینجا زوجه)، از موارد حسن معاشرت تلقی شده و در نتیجه ریاست شوهر مجوز نقض حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوجه نیست، اما با تدقیق در روابط زوجین و اهمیت و پایداری نظام خانواده در مواردی مصالح خانواده، نقض حریم خصوصی زوجه را اقتضا می‌کند.

زوجه با حق منع از خروج زن از سوی زوج

با تفسیری موسع از حریم ارتباطی و تسری آن به ارتباطات حضوری، این مسئله مطرح می‌شود که تزاخم حریم ارتباطی زوجه و خروج وی از منزل برای ارتباط با دیگران چگونه با حق منع از خروج زن توسط شوهر حل می‌شود؟ به دیگر سخن اگر زوج با کاربست این حق از خروج زوجه

ممانعت کند و زوجه با استفاده از حق حریم ارتباطی خود تمایل به ارتباط با دیگران و خروج از منزل بدین هدف را داشته باشد، کدام یک از این دو حق مقدم خواهد بود؟ با تتبع در متون فقهی می‌توان دریافت حق منع خروج زن از حقوق زوج و از آثار ریاست شوهر در درون خانواده تلقی شده و به عنوان یک ضمانت اجرا برای حق استمتاع زوج و از نتایج آن دانسته شده است. با این توضیح که مرد بتواند از خروج همسرش ممانعت به عمل آورد و در مقابل زن نیز موظف باشد برای خروج از منزل از شوهر اذن بگیرد. مطابق اصل اباحه و بر اساس آزادی و کرامت زن و برابری انسان‌ها خروج زوجه از منزل و معاشرت و ارتباطات او بی‌آنکه با مفسده‌ای مقارن باشد، باید عملی روا تلقی شود، اما با توجه به حق شوهر و تکلیف متقابل زن به تمکین از او اعمال حریم ارتباطی زوجه بدین مفهوم با اشکال مواجه می‌شود. با سیری در منابع فقهی در این باب، تشتت آراء در میان فقهای امامیه مشاهده می‌شود به طوری که برخی از فقها، مطلقاً جواز خروج زن را منوط به اذن شوهر می‌دانند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۳۳۱؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۳۰۸؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۳۰۳؛ سبزواری: ج ۲، ص ۲۵۱)، ولو اینکه خروج زوجه منافاتی با منافع زوج نداشته باشد. با تصریح این نکته که زوجه نمی‌تواند بدون اذن زوج حتی برای دیدن والدینش و حضور در مراسم فوت یکی از بستگانش برود. برخی از حقوق‌دانان نیز با تأسی از این آراء و با بیان اینکه حق مذکور از آثار ریاست شوهر تلقی می‌شود، همین دیدگاه را پذیرفته‌اند (حائری شاه باغ، ۱۳۸۲: ۹۶۵). در مقابل برخی از اندیشمندان حق منع

حل تزام حريم خصوصى زوجين با حقوق زوجيت

شوهر برای خروج زن را به حق کامجویی وی که حق اصلی و مسلم در ازدواج است مربوط دانسته‌اند (فضل الله، ۱۴۲۱: ۱۱۲). بعضی دیگر نیز اگرچه در مواردی که خروج از خانه با حق جنسی زوج منافات نداشته باشد، اذن شوهر را لازم نمی‌دانند، اما از نظر اخلاقی و بنا بر احتیاط کسب آن را ممدوح می‌شمارند (خوبی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۲۸۹). در نهایت برخی از معاصرین نیز با پذیرش وجود اذن شوهر برای خروج زوجه از منزل، استثنائات بسیاری برای خروج از این حکم کلی انگاشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۶، صص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ فاضل لنکرانی: ج ۱، صص ۴۳۱ و ۴۳۲)، بلکه این اذن را با فرض غرض عقلایی لازم دانسته‌اند. بنابراین در جایی که شوهر زن را در فشار و مضیقه قرار می‌دهد و او را از خروج از منزل نهی می‌کند، ادله‌ی این حکم از آن منصرف است^۱ (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۶، ص ۱۲۳).

با بررسی و امعان نظر در این آراء، به نظر می‌رسد مطلق ممانعت زن از خروج - حتی در مواردی که با استمتاع شوهر منافای نباشد - مغایر حسن معاشرت با زوجه خواهد بود؛ چرا که در چنین حالتی معنای لباس بودن و موجب آرامش بودن زوجین برای یکدیگر محقق نخواهد شد. چنانچه برخی از فقها نیز بدین نکته تصریح فرموده و از مردان می‌خواهند که در این امر با زنان معاشرت به معروف داشته باشند و از خروج آنها از منزل ممانعت

۱- ایشان در این خصوص آیه‌ی ۶ سوره‌ی طلاق را با استدلال به قیاس اولویت به عنوان شاهد بیان کرده‌اند، با این توضیح که قرآن در مورد مطلقات که در حال عدّه هستند و باید در خانه‌ی شوهر بمانند می‌فرماید: «وَلَا تَصَارُوهُنَّ لِيَضَيَّقُوا عَلَیْهِنَّ». وقتی قرآن درباره‌ی زنان مطلقه چنین دستور می‌دهد، در مورد همسر خودش به طریق اولی باید او را در مضیقه و فشار قرار ندهد (مکارم شیرازی، همان).

نکنند، مگر اینکه دلیل خاصی وجود داشته باشد (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳: ۱۲۷). از دیگر سو، از آنجا که صله‌ی رحم و ارتباط با ارحام و بستگان از واجبات تلقی می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۴۸۷)؛ لذا می‌توان گفت به طور کلی در خصوص واجباتی که مقدمه‌ی آن خروج از منزل است مانند معاشرت با بستگان اذن شوهر لازم نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ج ۶، ص ۱۲۴). با استفاده از این حق، ممکن است زوج نتواند مانع ارتباط زوجه با بستگان خود شود.^۱ همچنین است در مواردی که زوج از باب اضرار و اذیت، زوجه را از خروج از منزل نهی می‌کند، از اطلاق حکم کلی انصراف دارد؛ چرا که اطلاعات برای جایی است که زوج از این نهی یک خواسته‌ی منطقی دارد نه اینکه بخواهد انتقام بگیرد، افزون بر آن با استناد به قیاس اولویت از آیه‌ی ۶ سوره‌ی طلاق می‌توان گفت: «وقتی قرآن درباره‌ی زنان مطلقه چنین دستور می‌دهد و شوهر را از زیان و مضرت به زنان نهی می‌فرماید، در مورد همسر به طریق اولی باید او را در مضیقه و فشار قرار ندهد» (همان).

هر چند اثبات شد که در مواردی زوجه می‌تواند بدون اذن همسرش از منزل خارج شده و به ارتباط و معاشرت بپردازد، اما این حکم نیز مطلق نیست. با این توضیح که ریاست و قوامیت خانواده از جانب زوج ایجاب می‌کند که به پاسداری از حرمت و حیثیت خانواده همت گماشته و برای حفظ و تحکیم خانواده و حراست آن از هیچ کوششی فروگذار نکند. برای

۱- صله‌ی رحم صرف ارتباط حضوری نیست، بلکه مستند به اقوال فقها با ارسال پیام از طریق ارتباطات مجازی چون تلفن، نامه، پست الکترونیک و.. نیز صله‌ی رحم محقق می‌شود (همان؛ تبریزی: ج ۱، ص ۵۰۰).

حل تزام حريم خصوصى زوجين با حقوق زوجيت

نييل به اين هدف زوج مى تواند با لحاظ مصلحت خانوادگى خویش مرادوات و ارتباطات زن را تحت کنترل درآورد. برخى حقوق دانان نیز اذعان مى کنند: «شوهر مى تواند برای حفظ مصالح خانواده، معاشرت های زن و رفت و آمدهای او را بازرسی کند و او را از رفتاری که سلامت خانواده را تهدید مى کند باز دارد، ولی حق ندارد به دلخواه خود و بدون اینکه دليل موجهی داشته باشد، زن را از معاشرت با خویشان نزدیک خود یا اجرای فرایض مذهبی یا تکالیف اجتماعى باز دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۱۱). دیگر اندیشمندان نیز با عباراتی مشابه به تبیین لزوم مصالح خانوادگى در تعیین حدود و ثغور حق منع از خروج زوجه توسط شوهر مى پردازند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۴۸).

۳-۵- تزام حق تمکين زوج^۲ و حريم جسمانى زوجه

زن مانند هر انسانی بر جسم خود مالکیت و تصرف دارد و با اتکا به حريم جسمانى خود، جسم خود را از تعرض و تجاوز مصون مى دارد، اما به کارگیری حق مزبور با حق تمکینی که زوج با انعقاد عقد نکاح به دست آورده است مى تواند تزام کند، به خصوص اگر زوجه برای ارضای نیاز جنسی همسرش، از نظر جسمانى و روانی در شرایط مطلوب قرار نداشته باشد. در ادامه امر مطروح بررسی مى شود.

۱- «مصلحت خانوادگى ایجاب مى کند که خارج شدن زن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی او باشد. البته مرد هم باید در حدود مصالح خانوادگى نظر بدهد نه بیشتر».

۲- مراد از تمکين در این بحث، تمکين خاص و اطاعت زوجه در تأمین نیاز جنسى زوج است.

ظاهر کلام فقها در منابع فقهی روشنگر این مسئله است که تنها تکلیف خاص زوجه پس از عقد نکاح تمکین از زوج است؛ به طوری که نیازهای جنسی زوج را برآورد و از او در امور زناشویی اطاعت کند (نجفی: ج ۳۱، ص ۳۰۷؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳: ج ۸، ص ۳۶۱). به گونه‌ای که ناشز نبودن زن بدون هیچ خلافتی در این امر تحقق یابد و هر زمان و مکانی را که در آن استمتاع حلال باشد، شامل شود (نجفی: ج ۳۱، ص ۳۰۳)، مگر در مواردی که به عنوان عذر در متون و نصوص فقهی از تمکین معاف است.^۱ با این توصیف، در روابط زناشویی اصل بر تمکین زوجه است. از حکمت‌های لزوم این اصل، توجه به این نکته است که اگر زوجه مهبای تأمین نیاز جنسی همسرش نباشد و این نیاز را در درون خانواده پاسخ نگوید، محتمل است به دلیل عدم تمکین مفاسدی برای شوهر در پی داشته باشد و چه بسا جامعه را نیز تحت‌الشعاع خود قرار دهد. افزون بر دلیل فوق، تفاوت زیستی مردان و فزونی غریزه جنسی در آنها، نظام تشریح را ملزم کرد، از لحاظ حقوقی امتیازات بیشتری را برای شوهر قائل شده و مانع اقدام فسادانگیز مردان که سلامت اخلاقی جامعه را به مخاطره می‌اندازد، شود. از منظر دیگر باید به این مهم توجه داشت که آیا می‌توان آمادگی نداشتن زوجه برای تمکین را به عنوان حریم خصوصی جسمانی او محترم شمرد و حق حریم خصوصی را اهم تلقی

۱- در برخی مواضع و حالات زوجه مانند حیض و نفاس یا مُحرِم بودن و روزهی واجب و نیز در ایاء وظهار آمیزش منع شده است (حلبی، ۱۴۱۷: ۳۶۳). همچنین در فرض بیماری زوج و خوف ضرر به حق زوجه در خودداری از تمکین حکم داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۳۱۷). افزون بر آن، در صورت اعمال حق حبس از ناحیه زوجه، جواز خودداری از تمکین برای وی وجود دارد (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۴۱)

حل تزام حريم خصوصي زوجين با حقوق زوجيت

کرده و مقدم دانست؟ برخی از نویسندگان حقوق بر این اعتقادند که در چنین شرایطی باید حريم خصوصي زوجه محترم شناخته شود (رحمدل، ۱۳۸۴: ۹)؛ چرا که با پذیرش تسلط زن بر بدن خود، محتمل است ارضای نیاز جنسی همسر بدون رضایت و داشتن آمادگی زوجه، نقض حريم خصوصي او قلمداد شود. در حقوق برخی از کشورها مانند انگلستان، مقنن برای رعایت حريم خصوصي زن در رابطه با شوهر خود مداخله کرده و مقرر داشته است که نه تنها رابطه‌ی جنسی با زن می‌باید با رضایت وی باشد، بلکه در هر مرحله از نزدیکی که زن رضایت اولیه‌ی خود را باز گیرد، مرد مکلف به احترام به حريم خصوصي زن است، در غیر این صورت ادامه‌ی رابطه جرم خواهد بود (andrew 1992: 301-302). چنین رویکردی، در نظام حقوقی ایران مقبول نیست، اما شریعت مقدس اسلام، با برخی توصیه‌های استجابی و اخلاقی به شوهران، شدت اهتمام خود را به بیان آداب آمیزش جنسی و آمادگی زوجه برای آمیزش جلوه‌گر شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۰، صص ۱۱۹-۱۱۷، باب ۵۶ و ۵۷ ابواب مقدمات نکاح). با عنایت به چنین معیارهای اخلاقی از فحوای کلام این روایات برمی‌آید که از منظر اسلام رضایت باطنی زوجه و آمادگی وی برای آمیزش شرط اخلاقی برای تمکین است. بنابراین در آموزه‌های اسلامی بر تأمین رضایت‌مندی زوجین در آمیزش جنسی توجه شده است (کریمیان صیقلانی، ۱۳۹۲: ۷۸ و ۷۹). افزون بر آن استناد به قاعده کلی معاشرت به معروف موضوع بحث را نیز شامل می‌شود. چنانچه برخی از فقها بدین نکته واقف شده و بیان می‌کنند: «اگر مرد درشت هیكل

و زن نحیف و لاغر باشد و نزدیکی با او احتمال ضرر و خطر داشته باشد، شوهر حق ندارد با او آمیزش کند، زیرا معاشرت به معروف که فرمان قرآن است، اقتضا می‌کند نزدیکی به گونه‌ای باشد که زن و شوهر از آن لذت برند» (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۶، ص ۱۳). بنابراین این دیدگاه، به التذاذ هر دوی زوجین در رابطه‌ی جنسی اذعان صریح دارد. این سخن به گونه‌ای می‌تواند با این مطلب که تمکین در هر زمان و مکان بر زن واجب است و... ناسازگار باشد. افزون بر آن به نظر می‌رسد ضعف قوا و نحیف بودن زن موضوعیت نداشته و می‌توان به سایر مواردی که زوجه از نظر جسمانی در شرایط مطلوب به سر نمی‌برد، تسری داد.

بر این اساس، ضابطه‌ی تمکین، رفتار انسانی متعارفی است که باید به شرایط روحی و جسمی زوجه و موانع شرعی و عقلی تمکین، در آن توجه شود. بنابراین مستفاد از این سخنان، عرف و اخلاق، دآوری نهایی را بر حسب زمان و مکان در این باره به عهده دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۲۱۰). عرف و اخلاق تنها مصادیق موضوع را تشخیص می‌دهد و در واقع تمکین، ایجاد شرایطی برای رفع نیازهای جنسی در هر موقعیت ممکن و متعارف است.

در مقابل، از منظر برخی حقوق‌دانان هر نوع گفتار یا رفتاری از جانب دارنده‌ی حریم خصوصی که دال بر عدول از حریم خصوصی اوست، وی را از حمایت‌های حریم خصوصی محروم می‌کند (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۷)؛ لذا می‌توان گفت: «وقتی زن علی‌رغم نبود آمادگی برای رابطه‌ی جنسی،

حل تزام حريم خصوصى زوجين با حقوق زوجيت

جسمش را برای تمکين در اختيار شوهر قرار می‌دهد، به عبارتی از حريم خصوصى خود عدول کرده است».

با توجه به مباحث فوق درباره‌ی اقدام و اهم بودن تمکين يا حريم جسمانى زوجه باید گفت: «اگرچه زوجه مکلف به تمکين است و باید نیاز جنسى همسرش را برآورد، اما نظر به عرفی بودن حدود تمکين (مهریزی، ۱۳۹۰: ۳۰۴) و حاکمیت اصل معروف در زندگی خانوادگی، بایسته است زوج شرایط جسمانى همسرش را در نظر بگیرد؛ چرا که اگر به شرایط و احساسات زوجه توجه نداشته و تنها به ارضای نیاز جنسى خود بیاندیشد، مسلم است رفته رفته روابط سرد و کم‌رنگ جایگزین کانون گرم خانواده خواهد شد. لذا تحکيم زندگی خانوادگی اقتضا می‌کند زوج حسن معاشرت و رعایت توصیه‌های روایی را در روابط جنسى سرلوحه‌ی خویش قرار دهد.

نتیجه‌گیری

حريم خصوصى یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر است که به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان، با حفظ شأن، کرامت، شخصیت، استقلال فردی، توسعه‌ی روابط شخصی، گسترش صمیمیت و امنیت روانی پایدار و دیگر ارزش‌های مهم انسانی ارتباط عمیقی دارد. حریمی که هیچ‌کس بدون مجوز حق ورود به آن را نداشته و باید مصون و ایمن بماند. رعایت این حريم در روابط انسانی بسیار مهم ارزیابی شده است. با توجه به ماهیت جمعی خانواده، اهمیت احترام به حريم خصوصى در خانواده نیز به عنوان بنیادی‌ترین نظام اجتماعى آشکار است. به رغم تبادر این معنا که

با تشکیل زندگی مشترک و به جهت وابستگی عاطفی عمیق زوجین، هیچ حریمی بین زوجین وجود ندارد، باید گفت: این مسئله در روابط زوجین نیز خالی از وجه نبوده و هر یک از همسران با اتکا به شخصیت مستقل و حقوق مسلم انسانی خویش این حق را دارند و می‌توانند حریم خود را در زندگی مشترک حفظ کنند. تا جایی که احترام به حریم خصوصی از جانب هر یک از زوجین را می‌توان از موارد حسن معاشرت تلقی کرد. بنابراین حریم خصوصی در روابط زوجین عبارت است از: «گستره‌ای از اطلاعات، ارتباطات و جسم هر یک از زوجین، که یا به حسب انتظار متعارف آنها یا به حکم قانون انتظار دارد دیگری آن را نظارت و مشاهده نکند و از دسترسی و تعرض مصون بماند.

با این مبنا، در این پژوهش مباحثی از حریم خصوصی به طور اخص در گستره‌ی خانواده و در روابط زوجین تبیین و در راستای واکاوی این موضوع و به منظور اثبات این حق مستندات فقهی و حقوقی آن بررسی شد و پس از مذاقه در آن نتایج زیر به دست آمد: هرچند اصطلاح «حریم خصوصی» در متون فقهی و حقوقی بیان نشده است، اما به تلویح یا تصریح به برخی از مصادیق حریم خصوصی اشاره شده است. از سویی از میان مصادیقی که حقوق دانان برای حریم خصوصی برشمرده‌اند، سه مصداق حریم اطلاعاتی، ارتباطی و جسمانی در روابط زوجین تلقی شده و برای هر یک از همسران محترم است. اگرچه با در نظر گرفتن اختصاصات خانواده مصادیق فوق حریم محسوب می‌شوند، اما در مواردی با برخی از حقوق زوجیت در

حل تزامم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت

تزامم قرار گرفته، امکان عمل به هر دو حق را از ناحیه‌ی زوجین مشکل‌ساز می‌کند. برای حل موضوع، راه چاره را قاعده‌ی تزامم دانسته و حق اهم مقدم شمرده می‌شود. در راستای یافتن حق اهم، با توجه به حساسیت و اهمیت نهاد خانواده، مصلحت اقوای تحکیم خانواده به عنوان مبنای معیار سنجش حق اهم، پس از تدقیق در ادله و قلمرو هر یک از حقوق پذیرفته شد.

با این توصیف سه مورد از موارد تزامم، مذاقه و پردازش شده و در نهایت معلوم شد در موارد تزامم حریم ارتباطی و اطلاعاتی زوجه با ریاست زوج، گستره‌ی ریاست زوج از دو جهت به مصلحت اندیشی و مراعات حقوق و آزادی‌های شرعی و قانونی زن محصور می‌شود، پس به طور مطلق جواز نقض حریم خصوصی زوجه را ایجاب نمی‌کند. اما در صورت ایجاب مصلحت پایداری زندگی خانوادگی، حق زوجه محدود یا نقض خواهد شد تا خانواده پابرجا بماند.

همچنین با تفسیری موسع از حریم ارتباطی و تسری آن به ارتباطات حضوری، رفع تزامم این حق با حق منع از خروج زوجه توسط زوج با تفکیک فروض مختلف آن، معلوم شد، در خصوص واجباتی که مقدمه‌ی آن خروج از منزل است - مانند صله‌ی رحم - اذن شوهر لازم نیست، همین‌طور است در صورتی که منع از خروج با فرض غرض عقلایی همراه نباشد، بنابراین در این فروض حریم ارتباطی زوجه مقدم خواهد بود. اما مصلحت حفظ و تحکیم خانواده در موارد ارتباط‌های انحرافی و مهدد زوجه مستند

نقض حریم ارتباطی وی از جانب زوج خواهد بود، بنابراین در این فرض حق منع از خروج زوج، به عنوان حق اهم مرجح خواهد بود با این وصف لزوم وجود مصالح خانوادگی در تعیین حدود و ثغور حق منع از خروج زوجه توسط شوهر نمایان است.

برای رفع تراحم حریم جسمانی و حق تمکین زوج این نتیجه به دست آمد: اگرچه زوجه مکلف به تمکین است و باید نیاز جنسی همسرش را برآورد، اما نظر به عرفی بودن حدود تمکین و نیز حاکمیت اصل معروف در زندگی خانوادگی، همچنین لزوم تحکیم خانواده، بایسته است زوج شرایط جسمانی همسرش را در نظر بگیرد، چرا که حفظ حریم خصوصی امنیت روانی زوجه را در پی خواهد داشت.

حل تزام حريم خصوصى زوجين با حقوق زوجيت

منابع

- ◀ ابن منظور، محمدبن مكرم ۱۴۱۴ق. لسان العرب، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ◀ امامی، سيد حسن. حقوق مدنی، تهران، اسلاميه.
- ◀ انصاری، باقر ۱۳۸۶، حقوق حريم خصوصى، تهران، سمت.
- ◀ انصاری دزفولی، مرتضى ۱۴۲۸. مکاسب، دارالکتب الاسلاميه.
- ◀ تبریزی، استفتائات جديد، قم.
- ◀ جبعی عاملی، زين الدين بن علی ۱۴۱۳ق. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله ۱۳۷۵. زن در آيينه جلال و جمال، قم، اسرا.
- ◀ حائری شاه باغ، سيد علی ۱۳۸۲، شرح قانون مدنی، تهران، گنج دانش.
- ◀ حرّ عاملی، محمد بن حسن ۱۴۰۹ق. وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- ◀ حسینی بهسودی، محمد سرور ۱۴۱۰ق. مصباح الاصول، قم، مکتبه الداوری.
- ◀ حکمت نیا، محمود ۱۳۹۰. حقوق زن و خانواده، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.
- ◀ حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی ۱۴۱۷ق. غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- ◀ حلّی، محمدبن حسن بن يوسف (فخر المحققين) ۱۳۸۷ق. إيضاح القوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم، مؤسسه اسماعيليان.
- ◀ خویی، سيد ابوالقاسم ۱۴۱۰ق. منهاج الصالحين، قم، مدينه العلم.
- ◀ رحمدل، منصور. «حق انسان بر حريم خصوصى»، مجله دانشكده حقوق و علوم سياسي، ش ۷۰، (۱۳۸۳).
- ◀ زحیلی، وهبه بن مصطفى ۱۴۲۱ق. تفسير الوسيط، بيروت، دارالفكر المعاصر.
- ◀ سبزواری، محمد باقر بن محمد. كفاية الأحكام، اصفهان، مهدوی.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

- ◀ سعدی، ابوجیب ۱۴۰۸ ق. القاموس الفقہی لغتہ و اصطلاحا، دمشق، دار الفکر.
- ◀ صفایی، سید حسین و اسدالله امامی ۱۳۸۵. مختصر حقوق خانواده، تهران، میزان.
- ◀ صفایی، سید حسین. «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ش ۲۷، (۱۳۷۰).
- ◀ طباطبائی، سید محمد حسین ۱۴۱۷ق. المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- ◀ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن ۱۳۸۷ق. المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- ◀ فاضل لنکرانی، محمد. جامع المسائل، قم، امیر قلم.
- ◀ فضل الله، سید محمد حسین ۱۴۲۰ق. دنیا المرأة، بیروت، دار الملائک.
- ◀ _____ ۱۴۲۱ق. تأملات اسلامیة حول المرأة، بیروت، دار الملائک.
- ◀ قنواتی، جلیل و حسین جاویر. «حریم خصوصی؛ حق یا حکم»، حقوق اسلامی، ش ۳۱، (۱۳۹۰).
- ◀ قنواتی، جلیل و حسین جاویر و شاهرخ صالحی کرهرودی. «میان کنش قاعده لاضرر و حریم خصوصی خانواده»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۶، ش ۲، (۱۳۹۳).
- ◀ کاتبی، حسین قلی ۱۳۵۹. حقوق و صنعت، تهران.
- ◀ کلینی، محمد بن یعقوب ۱۴۰۷ق. الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ◀ کاتوزیان، ناصر ۱۳۸۸. حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ◀ کریمیان صیقلانی، علی ۱۳۹۲. مبانی اخلاق جنسی در اسلام، گیلان، دانشگاه گیلان.
- ◀ مجلسی، محمد تقی ۱۴۰۶ق. روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- ◀ مطهری، مرتضی ۱۳۷۸. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا.
- ◀ مقدادی، محمد مهدی ۱۳۸۵. ریاست خانواده (بررسی ماده ۱۱۰۵ ق.م)، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۷۴ش. تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة.

حل تزامن حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت

- ◀ _____ ۱۴۲۴ق. کتاب النکاح، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
◀ مهرپور، حسین ۱۳۸۶. حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات.
◀ مهریزی، مهدی ۱۳۹۰. شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
◀ موسوی خمینی، سید روح الله ۱۴۲۲ق. استفتائات، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
◀ موسوی خمینی، سید روح الله بی تا، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم
◀ موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا ۱۴۱۳ق. ارشاد السائل، بیروت، دار الصفوة.
◀ میرمحمد صادقی، حسین ۱۳۷۱. تحلیل مبانی حقوق جزا، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
◀ نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
◀ هاشمی، محمد ۱۳۸۲. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، میزان.
◀ واسطی زبیدی، محب‌الدین سید محمد مرتضی ۱۴۱۴ق. تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
➤ Solove, danielj. "conceptualizing privacy, california law review". vol.90, (2002).
➤ Andrew Ashworth, 1992. *Principles of Criminal Law*, (eds) Tony Honore & Joseph Raz. Clarendon Press. Oxford.

موقع الحریم الخاص فی العلاقة الزوجية فی خصوص تزاممه مع الحقوق الزوجية بالتأکید علی تعزيز الأسرة

کبرى پور عبدالله / سمانه جیل زاده

المقتطف

يحتل الحریم الخاص اليوم بأهمية وموقع خاص ويعتبر أصلاً جذرياً وأخلاقياً. حتى أنه يمكن إدراجه في عداد أهمّ مواضيع حقوق الإنسان. وكذلك هذا الحقّ معتبر في إطار الأسرة باعتبارها أهمّ مؤسسة اجتماعية كما هو معتبر في العلاقة بين الزوجين. فإنتالاقاً من أهمية هذا الموضوع، يتصدى هذا المقال للإجابة عن هذه الأسئلة الأساسية وهي: بناء على اختصاصات الأسرة فما هو موقع هذا الحق في العلاقة بين الزوجين؟ ما هي المصاديق التي يمكن اعتبارها من هذا الحق في نطاق العلاقة بين الزوجين؟ إن تزامم بعض مصاديق هذا الحق مع بعض الحقوق الزوجية فما هو الحل، ولأيهما الرجحان؟ تثبت هذه الدراسة عبر التدقيق في مفهوم الحریم الخاص والتحقق في أدلته ودراسة مصاديق هذا الحریم في العلاقة بين الزوجين والتدقيق في مواطن تزاممه مع بعض الحقوق الزوجية أن الأصل في الحياة الزوجية هو مراعاة الحریم الخاص، ولكن قد يضيق نطاق هذه الحقوق أو تنتفى وفقاً لمقتضيات الأسرة. إذن في مواطن التزامم، مصلحة تعزيز الأسرة هي المعيار الحاسم في كشف الراجع والمقدّم من حقوق الحریم الخاص أو غيرها من الحقوق الزوجية.

المفردات الاساسيه

الحریم الخاص، علاقة الزوجين، تعزيز الأسرة، التزامم، الحقوق الزوجية